

متن سوره طور با ترجمه فارسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

وَ الطُّورِ ﴿١﴾

سوگند به [کوه] طور، (۱)

وَ كِتَابٍ مَّسْطُورٍ ﴿٢﴾

و به کتابی که نوشته شده، (۲)

فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ ﴿٣﴾

در صفحه ای باز و گسترده، (۳)

وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ﴿٤﴾

و به آن خانه آباد، (۴)

وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ﴿٥﴾

و به آن سقف برافراشته، (۵)

وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ﴿٦﴾

و به آن دریای مملو و برافروخته، (۶)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾

که بی تردید عذاب پروردگارت واقع شدنی است؛ (۷)

مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ ﴿٨﴾

و آن را هیچ مانع و بازدارنده ای نیست. (۸)

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ﴿٩﴾

[و آن در] روزی [است] که آسمان به حرکت و لرزه ای سخت در آید؛ (۹)

وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿١٠﴾

و کوه ها [چون گرد و غبار] سریع و تند، روان شوند. (۱۰)

فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾

پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (۱۱)

الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ﴿١٢﴾

همانان که با فرو رفتن [در گفتار و کردار باطل با حقایق] بازی می کنند.

(۱۲)

يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً ﴿١٣﴾

روزی که آنان را با خشونت و زور به سوی آتش می رانند. (۱۳)

هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكذِّبُونَ ﴿١٤﴾

[و به آنان می گویند:] این همان آتشی است که همواره آن را تکذیب می کردید. (۱۴)

أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٥﴾

آیا این آتش هم جادوست [چنانکه در دنیا وحی را جادو می پنداشتید] یا شما [این واقعیت آشکار را] نمی بینید [چنانکه در دنیا حقایق را نمی دیدید؟] (۱۵)

اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

در آن در آید [و بسوزید]؛ پس صبر کنید یا نکنید برای شما یکسان است. فقط اعمالی را که همواره انجام می دادید، جزا داده می شوید. (۱۶)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿١٧﴾

بی تردید پرهیزکاران در بهشت ها و نعمتی فراوان اند. (۱۷)

فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿١٨﴾

به آنچه پروردگارشان به آنان عطا کرده و [برای آنکه] پروردگارشان آنان را از عذاب دوزخ مصون داشته، شادمان و مسرورند. (۱۸)

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾

[به آنان گویند:] به پاداش اعمالی که همواره انجام می دادید [از این نعمت ها] بخورید و بیاشامید، گوارایتان باد. (۱۹)

مُتَكِبِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ ۖ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ ﴿٢٠﴾

[این] در حالی [است] که بر تخت هایی ردیف و به هم پیوسته تکیه می زنند و حورالعین را به همسری آنان در می آوریم. (۲۰)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ
وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ ۚ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ
رَهِينٌ ﴿٢١﴾

و کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان [به نوعی] در ایمان از آنان پیروی کردند، فرزندانشان را [در بهشت] به آنان ملحق می کنیم و هیچ چیز از اعمالشان را نمی گاهیم؛ هر انسانی در گرو اعمال خویش است. (۲۱)

وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾

و [همواره] به آنان انواع میوه ها و گوشتهایی که دلخواه آنان است، می رسانیم. (۲۲)

يَتَنَزَّاعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ ﴿٢٣﴾

آنان در بهشت، جام های [پر از شراب طهور را] که نه در آن [پس از نوشیدنش، زمینه] بیهوده گویی و نه [خوردنش] گناه است، از دست یکدیگر می گیرند. (۲۳)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ ﴿٢٤﴾

و [همواره برای پذیرایی از آنان] نوجوانانی پیرامونشان می گردند که گویا مرواریدی نهفته در صدف هستند. (۲۴)

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٥﴾

و به یکدیگر روی می کنند [و از احوالات گذشته] از هم می پرسند. (۲۵)

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿٢٦﴾

می گویند: ما پیش تر [در دنیا] در میان کسان خود [از عذاب امروز] ترسان بودیم؛ (۲۶)

فَمَنْ لِّلَّهِ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾

ولی خدا بر ما منت نهاد و ما را از عذاب مرگبار حفظ کرد. (۲۷)

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ ۗ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ﴿٢٨﴾

از پیش او را [برای نجات از عذاب] می خواندیم؛ زیرا که او نیکوکار و مهربان است. (۲۸)

فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ﴿٢٩﴾

پس [مشركان را] هشدار ده که تو به لطف و رحمت پروردگارت نه کاهنی نه دیوانه؛ (٢٩)

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ ﴿٣٠﴾

بلکه این سبک مغزاندند که می گویند: او شاعری است که برای او حوادث تلخ روزگار و آمدن مرگش را انتظار می بردیم! (٣٠)

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ ﴿٣١﴾

بگو: [هلاکت خود را] انتظار برید که من هم با شما از منتظرانم. (٣١)

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا ۚ أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٣٢﴾

آیا عقل هایشان آنان را به این گفتارهای باطل و یاوه [بر ضد تو و قرآن] وا می دارد، یا [نه] آنان مردمی طغیان گر و سرکش اند؟ (٣٢)

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ ۚ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾

یا می گویند: قرآن را از پیش خود ساخته [و به خدا نسبت داده است؟ چنین نیست که می پندارند]، بلکه [قرآن وحی الهی است، ولی اینان] ایمان نمی آورند. (٣٣)

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِن كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٣٤﴾

پس اگر [در ادعای خود] راستگویید، سخنی مانند آن بیاورید. (٣٤)

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ﴿٣٥﴾

آیا آنان از غیر [آن] چیزی [که دیگران را از آن آفریده اند،] آفریده شده اند.
(۳۵)

أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ ﴿٣٦﴾

یا آنان آسمان ها و زمین را آفریده اند؟ نه، بلکه یقین ندارند. (۳۶)

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيِّرُونَ ﴿٣٧﴾

آیا خزانه های [علم و قدرت] پروردگارت نزد آنان است [که هر کس را اینان به پیامبری برگزینند، پیامبر است و چون تو را پیامبر نمی دانند، پس پیامبر نیستی؟] یا بر تدبیر امور هستی و بر خدا مسلط اند [که اگر بخواهند این مقام را از تو سلب کنند، بتوانند؟] (۳۷)

أَمْ لَهُمْ سُلْمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ ^طفَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾

یا برای آنان نردبانی است که [بر آن برشوند و] در آن خبرهای غیبی را بشنوند؟ پس باید شنونده اش دلیلی آشکار [بر ادعایش] بیاورد؟ (۳۸)

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبُنُونَ ﴿٣٩﴾

یا سهم خدا دختران است و سهم شما پسران؟ (۳۹)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿٤٠﴾

یا از آنان [در برابر ابلاغ رسالت] پاداشی می خواهی که از خسارت آن سنگین بارند؟ (۴۰)

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ﴿٤١﴾

یا علم غیب نزد آنان است که آنان [ادعای خود را از روی آن] می نویسند؟ (۴۱)

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا^ط فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ ﴿٤٢﴾

یا می خواهند [بر ضد تو] نیرنگ و فریبی به کار گیرند؟ ولی کافران [بدانند که] خود اسیر و محکوم نیرنگ شده اند. (۴۲)

أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ^ج سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٣﴾

آیا آنان را معبودی جز خداست؟ خدا از آنچه شریک او قرار می دهند، منزّه است. (۴۳)

وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ ﴿٤٤﴾

و اگر پاره سنگی در حال سقوط از آسمان ببینند [فکر نمی کنند عذاب است، بلکه چنان بر انکار حق اصرار دارند که] می گویند: ابری متراکم است! (۴۴)

فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ﴿٤٥﴾

[اکنون که با هیچ دلیلی هدایت نمی شوند] پس آنان را واگذار تا آن روزشان را که در آن هلاک می شوند، ببینند. (۴۵)

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٦﴾

روزی که نیرنگشان چیزی از عذاب را از آنان دفع نمی کند و یاری هم نخواهند شد. (۴۶)

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٧﴾

برای ستمکاران جز این عذاب آخرتی عذابی دیگر [در دنیا] خواهد بود [و آن در هم کوبیده شدنشان در جنگ بدر است]، ولی بیشترشان معرفت و آگاهی [به وضع خود در آینده] ندارند. (۴۷)

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا^ط وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٤٨﴾

و در برابر حکم پروردگارت شکیبایی کن که تو زیر نظر و مراقبت ما هستی، و هنگامی که [از خواب] برمی خیزی پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی. (۴۸)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ﴿٤٩﴾

و [نیز] پاره ای از شب و هنگام ناپدید شدن ستارگان [به سبب روشنایی صبح] خدا را تسبیح گوی. (۴۹)